



پس از حسین!

علل دین‌گریزی در نسل جوان

جناب آقای دکتر رسول حسین پور

فاطمه وطنی^۱

چکیده

موضوع مورد بحث در این مقاله آشنایی با عوامل دین‌گریزی است که به طرح دو موضوع پرداخته می‌شود.

در بخش اول به معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی دین و اهمیت و ضرورت آن اشاره گردیده و در بخش دوم این نوشتار عوامل دین‌گریزی را که در جامعه‌ی اسلامی ما حاکم گردیده است مورد بررسی قرار می‌گیرد، از جمله فقر و ناداری، آلودگی محیط اجتماعی، شیوه‌ی فعال تبلیغاتی دشمنان، سکولاریسم، غفلت خانواده‌ها از معنویت و تقلید که هویت انسان‌ها را تحت تاثیر قرار داده است.

هدف از این نوشتار بیداری نسل نوین در خانواده‌ها و وظیفه‌ی خطیر مسئولین فرهنگی در برابر جنگ نرم می‌باشد. بدین ترتیب با شناخت آسیب‌ها می‌توان به حقیقت دین دست یافت.

کلید واژه: دین. دین‌گریزی. سکولاریسم.

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شهید مطهری





مقدمه

دین استوارترین ستون حیات مادی و معنوی بشریت است که موجب ثبات و آرامش روانی آدمی است که به او عزت و شرافت و آزادی می بخشد و نور ایمان و اخلاص را در روحش روشن میکند و او را از زنجیر های اسارت های نابخردانه آزاد می سازد.

دین داری کردن در تمام ابعاد حیات آدمی ثمرات بی شماری دارد و دارای جلوه های یقین، صبر، امانت داری، صداقت، حیا و پاکدامنی، وفاداری، انفاق و احسان، رحم و مهربانی و مدارا و... می باشد؛ اما پیوسته عواملی به صورت پیدا و پنهان، دینداران را تهدید میکند و این عوامل به صورت آفت ها و آسیب ها و موانع بازدارنده، در مسیراندیشه ی دینی و گرایش های دینداران قرار می گیرد و زمینه ی دین گریزی و دین ستیزی را فراهم می کند. در این نوشتار به بیان ریشه های دین گریزی پرداخته شده و امید آن است که در این زمینه برای خانواده های مسلمان راه گشا باشد.

قبل از پردازش به موضوع ذکر دو نکته لازم است:

۱- از منظر اسلام، انسان ها فطرت دینی دارند و گریزان بودن از دین، جریانی بر خلاف فطرت و طبیعت است، زیرا اعتقاد به خدا و گرایش به دین نشانه ی سلامتی آدمی و گریز و ستیز با آن به منزله ی بیماری است که از علت آن جو یا شده و این پرسش به جا و صحیح است زیرا بیماری بر خلاف جریان اصلی و طبیعت است.

۲- چرایی تبیین این بحث، در واقع پرداختن به بهداشت دین و دینداری است که مهمتر از بهداشت تن و روان است، زیرا دین و دینداری با حقیقت انسان و وجوه مختلف زندگی وی پیوند دارد. امروزه بحران های اخلاقی، فکری و سیاسی عصر حاضر به بی هویتی انسان منجر گردیده، از این جهت امیر



المومنین امام علی (ع) فرمودند: المصیبه بالدین، اعظم المصائب.^۲ (مصیبت و آسیب دینی عظیم‌ترین مصیبت‌ها و آسیب‌هاست).

بدین سبب شایسته است که موضوع دین‌گریزی نسل جوان در جامعه فعلی، به صورت جدی بررسی و علت‌یابی شود تا مسئولین فرهنگی و خانواده‌های متعهد، به میزان توان خود در راه زدودن آنها بکوشند و اقدامات لازم را انجام دهند.

فصل اول

۱-۱) مفهوم و معنای دین

واژه دین اسم مصدر برگرفته از ریشه ی (د-ی-ن) و در لغت دارای معانی گوناگون و متضادی است از جمله:

طاعت، خضوع، نافرمانی، کیفر، پاداش ایمان، قضاوت، عادت و خلق و خوی از این معانی‌اند. پس واژه دین به طور انتزاعی شاید بیش از یک معنای اساسی و پایه نداشته باشد، ولی در هر جمله و در هر بافت و موقعیت تازه ای می‌تواند، دارای معانی نسبی ویژه‌ی همان جمله باشد. علت گوناگونی و فراوانی معانی دین جملات بسیاری است که در موقعیت‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی پدید آمده و معنای کلمه ی دین را در خود داشته باشد.

۱-۲) مفهوم اصطلاحی یا حقیقت دین

دین مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و نمادهای توحیدی یا غیر توحیدی است. مفهوم اصلی دین، مجموعه‌ی احکام و دستوراتی است که پروردگار جهان برای رستگاری جامعه‌ی بشری، صد و بیست و چهار هزار پیامبر نازل کرده است و اطاعت از این دستورها را بر همگان لازم دانسته و برای آن پاداش اخروی قرار داده است که زیر بنای این دستورات اعتقاد به مبدا هستی و معاد باوری است.

بنابراین آموزه‌های دینی از سه قسمت تشکیل می‌شود:

- ۱-۲-۱) اعتقادات که شامل توحید، نبوت، امامت و معاد است.
- ۱-۲-۲) دستورات اخلاقی و عملی که شامل سیر و سلوک انسان با خویش و دیگران است.
- ۱-۲-۳) تکالیف فردی که شامل عبادات، معاملات و سایر احکام است.



برخی از حدیث پیامبر اکرم (ص): اِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آیه محکمه و سنه جاریه و فریضه عادلانه.^۳ (علم که واجب بر هر مرد و زنی است سه گونه است: عقیده که حکم پایه و اساس را دارد و دستورات عملی و اخلاقی که متناسب با آن عقیده است). انجام واجبات و ترک محرّمات را برداشت نموده اند.

۱-۳ ارزش و اهمیت دین

در منابع دینی با تاکید فراوان و در قالب های متنوع عقل و دین همه خوبی ها که از همه درخشنده ترند، گویی بقیه ی خوبی ها و کمالات به دنبال این دو است.

بدین ترتیب دین در جهت نیاز های بشر، بسیار کار ساز تر از قوانین بشری عمل می کند.

دو فرق عمده بین دین و قانون وجود دارد:

الف) دین به مردم سکون و آرامش می دهد و قوانین دنیا سکوت را به ارمغان می آورد. ولی نیاز اصلی بشر سکون و آرامش است نه سکوت.

مثلا مادری جوانش را پس از سال ها با زحمت و رنج بزرگ می کند و در برابر قانون نظام وظیفه حرفی نمی زند و ناگزیر از سکوت است ولی دلش آرام نیست، اما مادران شهدا با کمال آرامش جوان خود را برای دفاع از دین و اسلام به میدان نبرد می فرستند.

ب) نیروی انتظامی و قوانین جزایی تنها در ظاهر می توانند مانع بروز جنایات گردند، ولی از آسیب ها و جنایات پنهانی نمی توانند جلوگیری کنند، اما قانون دین که با دوربین های الهی کنترل می شود، توانسته در جان مردمان نفوذ کند و جلوی این تجاوزات را بگیرد و بهتر از قانون بشری تعدیات را کنترل کند.

به عنوان مثال قانون نتوانست جلوی زلیخا را بگیرد، در حالیکه مال، جاه، مقام و وسایل کامیابی داشت و تنها تسلط بر نفس نداشت ولی دین توانس یوسف را که فاقد همه چیز بود حتی وجودش ملک دیگری بود ولی به برکت دین زمام نفسش را به دست خود داشت و این تسلط بر نفس او را به خوش نامی و عاقبت بخیری رساند و عزت دنیا و آخرت را به دست آورد.

بدین ترتیب انسان در هر دوره و زمان هم برای شناختن راه صلاح و صواب محتاج دین است و هم برای پیمودن راه همراه با دین باید حرکت کند.

^۳ - اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲ باب فضل العلم.



فصل دوم

۲-۱) عوامل دین‌گریزی

عوامل دین‌گریزی را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم نمود:

۲-۱-۱) عواملی که مانع روی آوردن انسان به دین و امور معنوی گردد و او را از نزدیک شدن به دین داری بازدارد.

۲-۱-۲) اموری که موجب تضعیف، تردید، دل‌زدگی انسان به باورها و ارزش‌های معنوی است و او را از دین و ارزش‌های معنوی دور می‌کند.

در حقیقت قسم اول آدمی را از متدین شدن به دین الهی باز می‌دارد. یعنی کاوش در عوامل بی‌ایمانی و دین‌گریزی را بررسی می‌کند و قسم دوم، انسانی را که پایبند به دین و امور معنوی است، سست عقیده و بی‌دین می‌سازد، به معنای توجه به علل ریشه‌هایی است که موجب ضعف باورها و رفتارهای دینی و بی‌اعتنایی به ارزش‌های دینی و امور معنوی می‌شود. عمده‌ترین عوامل دین‌گریزی انسان یا سستی نمودن در دین عبارت‌اند از:

الف) فقر و ناداری

از جمله عواملی که سبب دین‌گریزی یا تضعیف باورها می‌شود و منجر به سستی مردم در انجام تکالیف و وظایف شرعی می‌گردد، فقر و تهیدستی است.

تعالیم اسلامی، فقر و پریشانی را نکوهش می‌کند و آثار زیان‌بار و پیامدهای منفی فراوانی را برای آن می‌شمارد و به مردم و حاکمان اسلامی و متوالیان امور، نسبت به این مسئله هشدار می‌دهد.

پیامبر اکرم (ص): از فقر و کفر به خداوند پناه برده و می‌فرمود: اللهم انی أعوذ بک من الکفر و الفقر. (خدایا از کفر و ناداری و فقر به تو پناه می‌برم).^۴

چرا که فقر دین را می‌زداید و عقل را سرگردان می‌کند و ایجاد دشمنی می‌کند. بدین ترتیب انسانی که فضای اندیشه اش را، تامین آب و نان فراگرفته است، چگونه می‌خواهد و می‌تواند به رشد فکری و فرهنگی و کمال برسد.

فقر و بینوایی، قشرهای محروم اجتماع را از لحاظ دینی به دو بخش تقسیم می‌کند:

الف) بخشی جدا شده از پیکر دینی

ب) بخشی دور مانده از صفوف دینی

^۴ - تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۱۰۱





بخش اول آن است که فقر به دین آن، آسیب رسانده و سبب سستی عقیده اش گردیده است و به لغزشگاه شک و سستی اعتقادی کشیده می‌شود و همچون اندام فرو افتاده ای جدا می‌گردد و بازیچه ی دست گمراهان و گروه های مبتذل مثل شیطان پرستی و.. می‌گردد.

از اینجا بود که اهل بیت عصمت (ع) می‌کوشیدند تا قوت روزی و نفقه را در تاریکی های شب به محرومان برسانند و آن ها را از پرتگاه ها نجات دهند.

بخش دوم، آن است که در مقابل پیامدهای منفی فقر ایستادگی می‌کند و دین خود را نگاه می‌دارد و همه ی مشکلات را با بردباری و تحمل رنج یا توکل و صلاح به انجام می‌رساند اما چه بسیار از اعمال عبادی مانند انجام فریضه ی حج و نقش جدی در اطعام عید قربان و عید فطر داشته باشد را نمی‌تواند به انجام رساند و از برکات آن بهره مند گردند و از معنویات نیز به همان گونه محروم هستند.

۲-۲) آلودگی محیط اخلاقی و اجتماعی

مردم تابع محیط قرار می‌گیرند و جذب جریان غالب آن می‌شوند بنابراین هر قدر که اجتماع و محیط گرایش به امور متعالی داشته باشد، افراد اجتماع نیز تمایلشان به همان سمت است.

مثلت تربیت شامل خانواده و مدرسه و محیط اجتماعی است ولی اثرگذاری جامعه به مراتب قوی تر از آنهاست زیرا کشش های اجتماعی به اندازه ای نیرومند و توانا است که عموم مردم از مقراتش پیروی می‌کنند و بدون اندیشه و فکر، خویشتن را با آداب و سنن آن منطبق می‌سازند.

امیر المومنین امام علی (ع) می‌فرماید: الناس بزمانهم اشته منه بابائهم.^۵ (شباهت اخلاقی مردم به محیط اجتماعی و مقتضیات زمان خود بیشتر از شباهت به صفات خانوادگی است).

انسان دارای یک بعد اجتماعی است و انسان نسبت به گروه خود حساسیت فراوان دارد و تابع افکار و عقاید اوست.

هرگاه بدعت تازه ای مانند انواع مد لباس و سبک پوشش مورد پسند افراد جامعه قرار گیرد، تبدیل به عادت می‌گردد و خود به خود به تمام افراد جامعه برای تطبیق با آن فشار وارد می‌کند و آدمی ناگزیر به آن خوی می‌گیرد.

و امروزه شاهد این اتفاق تلخ هستیم که پنجاه درصد از زنان جامعه ی اسلامی بی حجاب در معابر حضور دارند.

^۵ - خصائص الانمه، ص ۱۱۵



مقام معظم رهبری در سخنانشان می فرمایند: مواظب باشید که انقلاب اندلسی در کشور ما به ظهور نرسد.

۲-۳) تبلیغات و عملکرد دشمنان

دشمنان با نقشه ها و اعمال شیطانی خویش تصویری نارسا از دین ارائه می دهند. آنها با انواع ترفند ها مردم را از گرایش به اسلام باز می دارند و به القای شبهه ها، دروغ ها، تهمت ها و مسائل غیر واقعی می پردازند.

این گونه فعالیت ها در همه ی اعصار وجود داشته است، که باید برای خنثی کردن آن مجهز شد. بدین ترتیب قدرت های سلطه جوی اقتصادی و سیاسی جهانی رگ حیات منافع خویش را در گسترش ظلم و فساد و بیداد و محرومیت و بی ثباتی میان کشور های اسلامی می بینند.

از سوی دیگر چون آنها تاکید اسلام را بر عدالت و مساوات، فضایل اخلاقی، استقلال و عزت، برخوردار از قدرت، ثبات، غیرت، وحدت و ظلم ستیزی را شاهد هستند، بنای بنیان کنی و براندازی نظام اسلامی و تضعیف باور های اسلامی را پیش می گیرند.

مقام معظم رهبری اعلام کردند که استکبار جهانی یک هزار میلیارد دلار برای مبارزه با اسلام هزینه کرده است و جوانان و زنان را طعمه ی تبلیغات سودجویان می سازد و برای شکار جوانان و بانوان و ممانعت آنان از تعلیم و تربیت دینی، ابزار های فراوانی را به کار می گیرند، تا کالا های ضد دینی خود را به فروش رسانند. آنان با تبلیغات پیدا و پنهان و توسل به روش افتناع هوشمندانه به کارهای فرهنگی و ضد اسلامی جوامع همت می گمارند و شاهرگ های تبلیغاتی جهان را در اختیار می گیرند.

قربانیان ساده این تبلیغات، مصرف کنندگانی هستند که اغلب درباره علل تصمیم های خود، فکر نمی کنند و امیال آنی را در جوانان پدید آوردند که آنان ناخواسته به خرید و مصرف کالاهای فرهنگ غربی و مبتذل روی می آورند و به گفته ی پژوهشگران، گاه بیش از ۶۲ درصد خریداران بدون برنامه ریزی قبلی، خرید می کنند.

نمونه ی بارز آن سند ۲۰۳۰ یونسکو بود که با هوشیاری رهبر معظم انقلاب اطلاع رسانی عمومی شد و اجرای آن متوقف گردید.



۴-۲) تاثیر نادرست برخی عالمان دین

تبلیغ گفتاری و تذکرات اخلاقی، اگر چه در هدایت انسان‌ها نقش دارند ولی تا مردم نمونه‌ای معتقد به باورها و آراسته به کمالات، سجایای اخلاقی و دوری از صفات ناپسند را در برابر دیده‌ی خویش نبینند، آنگونه که باید به فراگیری عقاید و امور دینی و عمل به فرامین الهی روی نمی‌آورند.

شهید مطهری می‌فرماید: هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل، تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید که مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند ولی از حکما و فلاسفه، آنقدرها پیروی نمی‌کنند. چرا؟ چون فلاسفه فقط می‌گویند و فقط تئوری می‌دهند، اما انبیا و اولیا، تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. اول عمل می‌کنند بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه گفت عمل کرد، آن گفته اثرش چندین برابر خواهد بود. همچنین امیر المومنین امام علی (ع) می‌فرماید: کونوا دعاه الناس بغير الستکم.^۶ (مردم را به دین دعوت کنید اما نه با زبان، با غیر زبان دعوت کنید).

۴-۵) القای ناکارآمد بودن دین

القای ناتوانی دین در حل مشکلات یکی دیگر از شیوه‌هایی که به منظور ضربه زدن به باورهای دینی از آن استفاده می‌گردد و با این هدف صورت می‌گیرد که دین توانایی حضور در ابعاد مختلف زندگی را ندارد و فقط با مسائل فردی انسان‌ها سر و کار دارد. در واقع این گونه شبهات به ترویج افکار مکتب سکولاریسم می‌پردازد.

سکولاریسم^۷، مکتب فکری است که پس از قرن هجدهم در جهان غرب رواج پیدا کرد و عقل‌گرایی بر اندیشه و فرهنگ جوامع غربی حاکم شد و این مفهوم را القاء کرد که بشر در سایه‌ی خرد و دانش تجربی خود می‌تواند قوانین مربوط به فرهنگ، سیاست، قضاوت و مانند آن را پدید آورد و هیچ نیازی به دخالت دین در اداره‌ی زندگی اش نمی‌باشد. در واقع سکولارها معتقدند دین نباید مبنای فعالیت‌های اجتماعی قرار گیرد و اینگونه می‌کوشند، دین را از صحنه‌ی جامعه خارج سازند.

آنها بر این باورند که در عرصه‌ی سیاست و زندگی جمعی انسان‌ها باید عقلانیت حاکم گردد. به عبارت دیگر آنان برای حاکمیت الهی جایگاهی قائل نمی‌باشند.

^۶ . کافی، کلینی، ج ۲، ص ۷۸

^۷ . Secularism





۶-۲) غفلت خانواده ها به معنویت

یکی از عوامل گریز جوانان از مذهب، بی تفاوتی و عدم توجه خانواده ها به مسائل مذهبی و عدم نظارت خانواده ها بر عملکرد جوانان است. معنویت یعنی به ناظر بودن خدای متعال توجه کرد و نتیجه ی آن انجام واجبات و ترک محرمات است.

متأسفانه پدران و مادران در عملکردشان به این امر خطیر، بی تفاوت شده اند و هم نسبت به فرزندانشان غافل گردیده اند. بطوریکه پیامبر اکرم (ص) روزی نگاهی به گروهی از نوجوانان انداختند و فرمودند: ویل لاولاد آخرالزمان من آبائهم. فقیل: یا رسول الله من آبائهم مشرکین؟ فقال: لا. من آبائهم المومنین. لا یعلمونهم من الفرائض و اذا تعلموا اولادهم منعوهم و رضوا عنهم بعرض یسیر من الدنیا و انا منهم برئ و هم منی براء.

(وای بر اطفال و نوجوانان آخرالزمان از پدرانشان. گفته شد: ای رسول خدا از پدران مشرکان؟ فرمودند: نه، از پدران مومنانشان که چیزی از واجبات را به آنها آموزش نمی دهند و اگر آنها هم واجبات را فرا گیرند جلوی آنها را می گیرند و به چیز کمی از دنیا راضی هستند، پس من از آنها بیزارم و آنها نیز از من بیزارند). با توجه به این روایت شریف، والدین به جای اینکه هدایتگر فرزندان باشند و امر به معروف و نهی از منکر کنند خود مشوق فساد یا نسبت به ارزش های مذهبی بی تفاوت می شوند.

در اینجا به نمونه هایی از آن اشاره می شود:

(الف) رهاسازی فرزندان به امیال و گرایش ها.

(ب) پر نکردن صحیح و متناسب اوقات فراغت آنان در منزل.

(ج) فضای بی دینی حاکم بر محیط خانه مانند حرام خواری.

(د) ضعف باور های مذهبی اطرافیان.

(ه) عدم توجه کافی والدین به آموزش های بیرون از خانه و فرزندان.

(و) رفت و آمد های آنان با بستگان دین گریز.

(ز) رواج آداب و رسوم و باور های خرافی در محیط خانواده.

(ی) افراط و تفریط های بی مورد والدین نسبت به رفتار و گفتار فرزندان.



۲-۷) تضاد های فکری

یکی دیگر از علل و عوامل دین گریزی، تضاد فرهنگ‌هاست که به شکل های گوناگون برای جوانان مطرح است، همانند تضاد فرهنگ خانه با ارزش های اجتماع، تضاد علم و دین، دین و تجدد و... در جوامع اروپایی و فضاهای مجازی برای رهایی از این تضاد ها، تلاش کرده اند، قلمرو دین را از علم جدا کنند بدین صورت که دین ارتباط با خدا را بیان می‌کند و رابطه ی فردی با خداست و جنبه ی اجتماعی ندارد و علم مربوط به مسائل هستی است و تمام ارزش ها و باید ها و نباید ها، از نوع سلیقه های شخصی است و ربطی به دین ندارد. در نتیجه نباید دین به امور دنیا کاری داشته باشد و اصل تساهل و تسامح را در دین پذیرفته‌اند. بطوریکه اولاً یک متدین با یک بت پرست می‌توانند به راحتی زندگی کنند و تضاد های اعتقادی و رفتاری هم از بین می‌رود.

ثانیاً، چون از منظر آنها دین واقعیتی ندارد، در برابر ارزش های جامعه تضاد نمی‌تواند داشته باشد. اما شیوه‌ی فوق از نظر اسلام مردود است، زیرا از منظر قرآن حق با باطل و نور با ظلمت هرگز آشتی ندارند. بدین منظور ما قائل به مصالح و مفاسد واقعی هستیم نه عمل به صرف سلیقه و رای و در تضاد تئوری ها با وحی، قطعاً باید تئوری ها را کنار گذاشت و به وحی مسلم اعتماد کرد.

۲-۸) گناه کردن

یکی از ریشه های اصلی دین گریزی، کردار زشت انسان و پیروی از هوا و هوس است. به عبارت دیگر عامل دیگر اصلی این دستاورد، خود انسان است و عوامل جبری محیطی نمی‌باشد. از نظر قرآن، کار های ناشایست انسان در قالب های ظلم و کفر و اسراف و فسق، سبب بروز بیماری در اندیشه و روان آدمی گشته و مانعی محکم در راه گرایش به دین و خداوند است. بنابراین اساس دین گریزی و ریشه های اصلی آن را باید در رفتار و کردار آزادانه انسان یافت و بررسی اموری که از اختیار او خارج است. تذکر این نکته لازم است همان گونه که انجام معاصی و گناه نمی‌گذارد انسان به طرف خدا گام بردارد و مانعی در راه گرایش به دین و دینداری است، برای کسانی که متدین به دین و مذهب هستند نیز این خطر وجود دارد که اگر مرتکب گناه و کبائر شوند، به تدریج به ورطه‌ی بی‌دینی و دین ستیزی کشانده می‌شوند. که این مطلب از این آیه‌ی قرآن به خوبی استفاده می‌شود: *ثم کان عاقبه الذین اساءوا السّوای ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یستهزئون.*^۱ (سپس سر انجام کسانی که کارهای بد کردند این شد که آیات خدا را دروغ انگاشتند و بدان‌ها استهزاء می‌کردند).

^۱. سوره مبارک روم، آیه ۱۰



برخی از اشخاص مشاهده می‌شوند که خود را پیرو دین می‌دانند ولی در انجام برخی امور دینی کوتاهی کرده، زیر بار نمی‌رود و پس از دقت و بررسی دریافته که اینان به خاطر آلودگی به گناهی که مرتکب آن می‌شوند، دچار این حالت شده‌اند و اگر آن را جبران نکنند چه بسا شدیدتر شده و سر از بی دینی و دین ستیزی در می‌آورند و از دایره‌ی دین بیرون می‌آیند و به ورطه‌ی بی دینی کشیده می‌شوند.

۹-۲) تقلید و شخصیت گرایی

یکی از آسیب‌ها و آفت‌هایی که به دینداری وارد می‌گردد، تقلید است. یعنی پیروی کورکورانه و تبعیت ناآگاهانه از فرد، گروه یا اندیشه‌ای بدون دلیل و برهان است و مانعی بزرگ و حجابی عظیم در راه گرایش به دین و خدا پرستی می‌گردد و نمی‌گذارد که آدمی به اندیشه و تعقل بپردازد و راه صحیح را برگزیند. شان دین و هدف آن ایجاد بینایی و دانایی و مخالفت با کوری و نادانی است و مردمان را به تذکر و اندیشه ورزی و به بصیرت و بینایی می‌خواند و از این طریق آنان را هدایت می‌کند.

اگر تقلید مذموم بر دینداری حاکم شود، به شدت آسیب می‌رساند و زمینه‌ی انحرافات گوناگون فراهم می‌شود. بسیاری از مصیبت‌هایی که در طول تاریخ بر سر اسلام و مسلمانان رفته است، به سبب فرهنگ و تقلید کورکورانه و پیروی ناآگاهانه بوده است زیرا تقلید کورکورانه هویتی برای انسان باقی نمی‌گذارد و چنین انسانی تن به هرکاری می‌دهد و هر ناروایی را مرتکب می‌شود.

پیروی و تقلیدی که شکل سرسپردگی پیدا کند، مفسده‌های فراوانی در پی دارد و جز تباهی زندگی این دنیا و سرای آخرت چیزی به دنبال نخواهد داشت. اما منطق دین اجازه نمی‌دهد که مردمان، رهبران و پیشوایان خود را چشم و گوش بسته انتخاب کنند و بدون چون و چرا اطاعت کنند.

نمونه‌های تقلید کورکورانه از رهبران فاسد را می‌توان در دوران حکومت هزار ماه سیاه بنی امیه به ویژه معاویه مشاهده کرد. مسلمانان به علت عدم بلوغ فکری و جهل و نادانی و فاصله گرفتن از امامت، تحت تاثیر شخصیت‌های حاکمان فاسد زمان خویش قرار می‌گرفتند گویا تقلید یک گزینه‌ی نهفته‌ای است که از انسان اختیار را سلب می‌کند. در نتیجه هر روز بر جاهلیت مدرن زمان و به دنبال آن جدایی از معنویت و دین‌گریزی ظاهر می‌شود و نتیجه‌ی آن این بود که امروزه شاهد قربانی شدن مسلمانان در جهان هستیم. در یک نقطه داعش با حمایت آمریکا و صهیونیست متولد می‌شود و در نقطه‌ی دیگر گروه‌های تکفیری و وهابیت با حمایت انگلیس تیشه به ریشه‌ی دین می‌زنند.



فصل سوم

نتیجه گیری

با توجه به مطالب بررسی شده در این مقاله می توان به این نتایج اشاره کرد:

۳-۱) تاج کرامت و شرافت در انسانی نهادینه شده که ارتباط با عالم ملکوت و ایمان به جهان

غیب داشته باشد، که نتیجه‌ی آن رسیدن به مقام خلیفه الهی در روی زمین است و مراد از جانشین خداوند در روی زمین، الگو قرار دادن انسان های کامل در تمام عرصه های زندگی است.

۳-۲) با توجه به ویژگی های فطری، انسان دارای گرایش هایی است که او را به بینش شهودی

می‌رساند. یکی از ابعاد فطرت انسان‌ها، گرایش آگاهانه به دین و پرستش خاضعانه‌ی ذات اقدس باری تعالی است. بدین ترتیب ضرورت دینداری در حقیقت زنده کردن بعد روحانی انسان است تا بتواند به راه و روش زندگی سعادت مندانه همراه با تکامل دست یابد.

۳-۳) همان طور که در بخش دوم اشاره شد. عواملی به صورت آفت ها و آسیب ها در مسیر

دینداری قرار می‌گیرد و بستر دین گریزی را فراهم می‌کند. برای اینکه انسان بتواند به درک درستی از حقیقت دین دست یابد، لازم است که با موانعی که مسیر هدایت را مسدود می‌کند، آگاه گردد. بدین ترتیب لازم به ذکر است که با این موانع نیز آشنا شده تا با شفاف سازی و برطرف کردن شبهات بتوان گامی ارزشمند در احیای مبانی کرامت انسانی برداشته شود.



منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- تمیمی آمدی، محمد بن عبد الوهاب، شرح غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.
- ۳- ابن منظور الافریقی المصری، لسان العرب، دارصادر، بیروت، بی تا.
- ۴- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، دایره المعارف قرآن کریم، قم، ۱۳۸۴.
- ۵- مجلسی، محمدباقر، بحارالنوارالجامعه لدرراخبار الائمه الاطهار، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۳ ق، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- ۶- شریعتی، محمد تقی، تفسیر نوین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
- ۷- المتقی الهندی، کنز العمال، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق.
- ۸- مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چاپ دهم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ش.
- ۹- زیور، رضاع، دایره المعارف قرآن، جلد ۱۳.
- ۱۰- طهماسبی، علی، دغدغه های فرجامین (پژوهشی در معنا شناسی دین)، نشر یاداوران، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۱- فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، چاپ پانزدهم، هیئت نشر معرف اسلامی، ۱۳۴۸ ش.